

تاگور و فلسفهٔ تعلیم

♦ صوفیه شیرین

ترجمه: خان محمد صادق جونپوری*

تاگور از شخصیت‌های بزرگ دنیاست. او یک ادیب، شاعر، داستان‌نویس، معلم، مددکار اجتماعی مجاهد آزادی، پرچمدار انسانیت و پیامبر صلح بود. شخصیت وی امتزاج زیبایی از صورت کلاسیک و جدید بود. تاگور در هفتم می سال ۱۸۶۱ م در کلکته متولد شد. او شاعری را از هشت سالگی آغاز نمود. اولین نظم او ابهیلاش است. در ۱۷ سالگی مجموعه اشعار وی بنام کبھی کاهنی چاپ شد. رابیندرا سنگیت که مجموعه‌ای از ترانه‌های اوست هنوز هم در میان مردم بنگال مشهور است. دوران اولیهٔ زندگی او خیلی تحت تأثیر مذهب و فنون لطیفه مخصوصاً ادبیات، موسیقی و نقاشی بود. او به زبان‌های سانسکرت، بنگالی و انگلیسی آشنائی داشت.

تاگور تعلیمات ابتدایی را در خانه فراگرفت. برادر بزرگ او می‌خواست که تاگور به تحصیل در رشته حقوق پردازد و به‌همین سبب در سال ۱۸۷۸ م برای تحصیلات عالی به انگلستان رفت. ولی نتوانست مدت زیادی در آنجا بماند و خیلی زود به‌هند بازگشت و به‌عنوان موسیقی‌دان، شاعر و معلم در جامعه شناخته شد. او بعد از بازگشت از انگلیس در سال ۱۹۱۲ م، کتاب گیتانجلی خود را به‌انگلیسی ترجمه نمود. این ترجمه باعث شهرت بیش از حد تاگور در جهان و مخصوصاً در لندن شد. او یک سال بعد در سال ۱۹۱۳ م به‌پاس خدمات ادبی جایزهٔ «نوبل» ادبیات را دریافت نمود. او

♦ استاد در کالج سریندر نات، کلکته.

* پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی در لکهنو. (از متن اردو)

اولین آسیایی است که این جایزه را به دست آورد. در سال ۱۹۱۵ م جورج پنجم پادشاه انگلیس به او لقب سر عطا نمود.

تاگور به فرهنگ غربی و مخصوصاً شاعری غربی خیلی علاقه داشت. او خواهان یکی نمودن فرهنگ غربی و شرقی بود. براساس همین نظریه او در سال ۱۹۰۱ م مدرسه‌ای به نام شانتی نکیتن در کلکته تأسیس نمود. نظریات تعلیمی تاگور تحت تأثیر فلسفه زندگی او بوده است. تاگور مثل پلاتو و روسو کتابهای ضخیمی در این موضوع نوشت ولی نظریات وی در مقالات، سخنرانی‌ها و نامه‌های شخصی او موجود است. او در سال ۱۸۹۲ م کتابی در مورد تعلیم و آموزش نوشت. در این کتاب ۲۲ مقاله در مورد اهمیت آموزش وجود دارد. نظریه تعلیم تاگور در اصل مجسمه صلاحیت‌های شاعرانه و هنرمندانه او بود که خدا در وجود او ودیعت نهاده بود. مدرسه شانتی نکیتن به عنوان معلم و در شری نکیتن به عنوان ناظم نظریات او را تحت تأثیر قرار داد.

تاگور شاعر بزرگی بود و شاعری او تحت تأثیر طبیعت قرار داشت. به همین سبب وی به نظام آموزشی قدیمی مانند آشرم و کروکل اعتقاد داشت. او می‌گفت که طبیعت بر تربیت و نشو و نمای بچه‌ها تأثیر می‌گذارد و برای همین او می‌خواست که نزدیک طبیعت باشد. به قول تاگور بچه‌ای که در آشرم زندگی می‌کند و درس می‌خواند، به دور از هیاهوی زندگی در یک محیط مساعد شخصیت و کردار خود را بهتر بروز خواهد داد. تاگور تاح تأثیر همین نظریه مدرسه شانتی نکیتن را تأسیس نمود. به گفته او طبیعت و فطرت بهترین معلم است. بچه‌ها از استاد و کتاب کمتر و از طبیعت بیشتر یاد می‌گیرند. او عقیده دارد قلب و مغز ما نیاز به هوای تازه و نور دارد تا ما بتوانیم عظمت و سادگی طبیعت را محسوس نمائیم. آموزش در یک محیط طبیعی بهتر است. معنی محیط فقط محیط طبیعی نیست بلکه شامل محیط اجتماعی نیز می‌شود که نقش مهمی در پرورش و نشو و نمای بچه‌ها ایفا می‌کند. همان‌طور که درختان به کمک محیط اطراف میوه درست می‌کنند بچه‌ها نیز تحت تأثیر محیط اطراف خود شخصیت خود را شکل می‌دهند.

نظریه تعلیم تاگور می‌گوید که تعلیم باید بدون جبر و با طیب خاطر باشد. این نظریه را تاگور در مدرسه شانتی نکیتن پیاده نمود. او می‌خواست که در مدارس محیط

آزاد و مفرح باشد، جایی که شاگردان از شخصیت بزرگ استادان خود بهره‌مند شوند. حصول علم جزء لاینفک ترقی است. اگر ما نتوانیم کنیم هدف ما از حصول علم از بین می‌رود. تعلیم باعث بالیدگی افکار، شخصیت و روح انسان می‌شود. تاگور عقیده دارد که این علم است که باعث تکمیل انسانیت در یک بچه می‌شود.